

تفسیر سورہ

قارعہ

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ الْقَارِعَةُ ﴿ ۲ ﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿ ۳ ﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿ ۴ ﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْتُوتِ ﴿ ۵ ﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿ ۶ ﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿ ۷ ﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿ ۸ ﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿ ۹ ﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿ ۱۰ ﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿ ۱۱ ﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ

(۱) حادثه کوبنده. (۲) آن حادثه کوبنده چیست؟ (۳) و تو چه دانی آن حادثه کوبنده چیست؟ (۴) روزی که مردم مانند پروانه‌ها پراکنده باشند. (۵) و کوهها مانند پشم رنگارنگ زده شده. (۶) پس هر کس کفه‌های (عمل خیرش در) ترازویش سنگین باشد، (۷) پس او در زندگی رضایت بخشی است. (۸) ولی هر کس کفه‌های (کار خیرش در) ترازویش سبک باشد، (۹) پس در آغوش آتش است. (۱۰) و تو چه دانی آن چیست؟ (۱۱) آتشی سوزان.

#### نکته‌ها:

- «قارعة» از «قرع» به معنای کوبیدن چیزی بر چیزی است. یکی از نام‌های قیامت، «قارعة» است، زیرا با صیحه‌ی کوبنده آغاز می‌شود و عذاب آن کوبنده است.
- در روایات می‌خوانیم: حضرت علی علیه السلام و فرزندان معصومش، میزان و معیار سنجش

اعمال انسان‌ها در قیامت هستند.<sup>(۱)</sup>

- شاید دلیل آنکه کلمه «موازین» به صورت جمع آمده، این باشد که کارهای گوناگون انسان با ابزارهای گوناگون سنجیده می‌شود و هر کار، میزان مخصوص به خود را دارد.
- «موازین» جمع «میزان» به معنای وسیله سنجش است و روشن است که اعمال انسان، امری مادی و دارای وزن و جرم نیست که با ترازوهای معمولی سنجیده شود، بلکه هر دسته از اعمال انسان، معیار سنجش مخصوص به خود دارد.
- مادر برای همه کس، مأوی و پناهگاه است، اما در آنجا مادر و پناهگاه گروهی از انسان‌ها دوزخ است.
- «هاویة» از «هوی» به معنای سقوط است و دوزخ، محلّ سقوط گروهی است.
- «حامیة» از «همی» به معنای شدت حرارت است.
- کوه‌های رنگارنگ در اثر قطعه قطعه شدن و خورد و خاک شدن، مثل پشم زده رنگارنگ می‌شوند. ﴿كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾ «منفوش» از «نفس» به معنای باز کردن و کشیدن پشم است تا آنجا که اجزای آن از هم بگسلد.<sup>(۲)</sup>
- سبک و سنگینی مخصوص مادیات نیست. لذا به سخنان بی‌محتوی می‌گویند: سخن سبک. شاید مراد از ﴿ثَقَلْتِ مَوَازِينَهُ﴾ و ﴿خَفَّتِ مَوَازِينَهُ﴾ ارزش و کیفیت عمل باشد و شاید هم مراد، قلت و کثرت آن باشد.
- حضرت علی علیه السلام فرمودند: مراد از سبکی عمل، کم بودن عمل و مراد از سنگینی عمل، زیادی آن است. «قَلَّةُ الْحِسَابِ وَ كَثْرَتُهُ»<sup>(۳)</sup>
- شخصی سلمان را تحقیر کرد که تو کیستی و چیستی؟ پاسخ داد: اول من و تو نطفه و آخر من و تو مردار است. این دنیاست، اما در قیامت، «مَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينَهُ فَهُوَ الْكَرِيمُ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينَهُ فَهُوَ لَيْئِمٌ»<sup>(۴)</sup> هر کس میزان او سنگین باشد، تکریم می‌شود و هر کس سبک باشد، تحقیر و ملامت خواهد شد.

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص: ۲۵۲.

۲. تفسیر راهنما.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۶۳. به نقل راهنما.

۴. تفسیر نور الثقلین.

□ عموم انسان‌ها، هم کار خوب و هم کار بد دارند و این طور نیست که برخی از مردم همه کارهایشان خوب و برخی دیگر همه کارهایشان بد باشد. اما مهم آن است که خوبی‌ها بر بدی‌ها غلبه کند. به تعبیر قرآن: «ثقلت موازینہ» یعنی کفه‌ی خوبی‌ها سنگین‌تر از کفه‌ی بدی‌ها باشد که در این صورت بهشتی است. اما اگر کفه‌ی خوبی‌ها سبک‌تر باشد، «خفت موازینہ» سرانجامش دوزخ است.

### پیام‌ها:

- ۱- قیامت، کوبنده مستکبران و روحیه‌های متکبرانه است. «القارعة ما القارعة»
- ۲- قیامت فراتر از فکر بشر است. حتی پیامبر بدون بیان الهی از آن خبر ندارد. «و ما ادراك ما القارعة»
- ۳- قیامت روز تحیر و سرگردانی بشر است. «كالفراش المبثوث»
- ۴- بهشت را به بها دهند نه بهانه. «من ثقلت موازینہ فهو فی عیشة راضیة»
- ۵- زندگی سراسر شاد، مخصوص قیامت است. زیرا در دنیا در کنار کامیابی‌ها، دغدغه بیماری، سرقت، حسادت، از دست دادن و گذرا بودن هست. «عیشة راضیة»
- ۶- رضایت از زندگی، از نشانه‌های جامعه بهشتی است. «فهو فی عیشة راضیة»
- ۷- مبنای کیفر و پاداش، عمل است که با ترازوی عدل سنجیده می‌شود. «ثقلت موازینہ... خفت موازینہ»

«والحمد لله رب العالمین»